

سیر تحولات منظر میانسرای ارگ کریم خان شیراز براساس عکس‌ها و مستندات تاریخی

علی اسدیپور^۱

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2020.19842.1995

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۶

(از ص ۲۴۱ تا ۲۶۰)

چکیده

ارگ کریم‌خانی، بزرگ‌ترین بنای آجری در مجموعه‌ی زندیه است که با ایده‌های کریم‌خان ساخته شده است. منظر میانسرای آن در طول تاریخ تحولات گوناگونی داشته که با وضعیت کنونی منطبق نیست. خوانش تحولات منظر آن می‌تواند راه را برای طرح مرمت صحیح، بگشاید و فهم کنونی از معماری ارگ و انتظام فضایی - بصری آن را اصلاح نماید. هدف این پژوهش، خوانش تحولات منظر میانسرای ارگ در دو بخش است که شامل منظرسازی («طرح کاشت»، «نظم آب» و «هندسه‌ی کرت بندی‌ها») و عناصر معماری الحاقی از دوره‌ی زندیان تا معاصر است؛ بنابراین پرسش اصلی این پژوهش این است که طرح کاشت و حضور آب در منظر میانسرای ارگ در پیوند با نظام هندسی - فضایی کرت بندی‌ها چه تحولات تاریخی داشته است؟ روش پژوهش، «تفسیری - تاریخی» است. مستندات پژوهش شامل: سفرنامه‌ها، اسناد و کتاب‌های تاریخی، عکس‌های تاریخی روزگار قاجار، تصاویر هوایی و درنهایت مشاهدات میدانی هستند. خوانش عکس‌های تاریخی با استفاده از اصول پرسپکتیو یک نقطه‌ای و دو نقطه‌ای انجام شده و داده‌های حاصل، به واسطه‌ی پشتیبانی و هم‌پوشانی با یکدیگر به نتایج منتهی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که تحولات منظر ارگ در چهار دوره به نام: «شکل‌گیری (زندیان)»، «تحول و تغییر (قاجاریان)»، «تغییر کاربری و اضمحلال (پهلوی)» و «مرمت و احیاء (جمهوری اسلامی)» قابل طبقه‌بندی هستند. منظر میانسرا به ترتیب از: «باغ‌سرای روزگار زند» به «باغ - حیاط در اواخر قاجار»، «حیاط - محبس» روزگار پهلوی و درنهایت به «نارنجستان» در عصر کنونی بدل شده است. طرح کاشت اصیل باغ، شامل: درختان بلندقامت (چنار و سرو) و کوتاه‌قامت (مرکبات و نارنج) و گل‌ها در سه تراز دید تحتانی، میانی و فوقانی بوده است. نظم آب‌رسانی در میانسرا، شامل حوض‌ها و آب‌نما، کمابیش ساختار خود را حفظ کرده‌اند؛ با این حال، کرت بندی‌ها تغییراتی ناشی از عناصر مداخله‌ای کالبدی و غیرکالبدی داشته‌اند. زیبایی‌شناسی زندیان در منظر میانسرا تا روزگار «مظفرالدین‌شاه» (حدود ۱۴۰ سال) کماکان حفظ شده و از آن پس، نظام بصری آن دگرگون و به تراز دید تحتانی و میانی محدود می‌گردد. در انتها، مجموعه‌ی اقدامات اصلاحی در بخش کرت بندی‌ها و طرح کاشت نیز پیشنهاد شده است.

کلیدواژگان: ارگ، طرح کاشت، منظرسازی، باغ، زندیه.

۱. استادیار گروه معماری، دانشکده‌ی معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر شیراز، شیراز، ایران.
asadpour@shirazartu.ac.ir

مقدمه

«ارگ» یا «اندرونی کریم‌خان زند» تلفیقی از فضاهای مسکونی به همراه تسهیلات خدماتی (حمام و اصطبل) و امنیتی (نگهبانان) با ساختاری دفاعی در مقیاسی محدود است که مهم‌ترین بنای زندیان در بافت تاریخی شیراز و بزرگ‌ترین بنای آجری در مجموعه‌ی زندیه و ثقل بصری دو میدان توپخانه و مشق در روزگار زند و قاجار بوده است (اسدپور، ۱۳۹۷: ۱۹۴ و ۱۹۵). این بنا در دوره‌ی زندیان کاربری سکونتی داشته و ساخت آن به دستور و با ایده‌های اولیه‌ی کریم‌خان در حدود سال ۱۱۸۰ ه.ق. آغاز شده است (فسایی، ۱۳۸۲: ۶۰۹). در تاریخ گیتی‌گشا (مهم‌ترین نوشته‌ی عصر زندیان) آمده است که کریم‌خان، ارگ را «بنای نارین قلعه‌ای مشتمل بر عمارات رفیع و بناهای بدیعه که قابلیت حرم‌سرا را داشته باشد» بنیاد کرده (نامی‌اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۵۵) و در ادامه نیز آمده است که «سرای مزبور مشهور به ارگ به جهت حرم‌سرا وضع شده» (همان: ۱۵۶). ارگ در روزگار قاجاریان نیز کماکان محل استقرار والیان فارس بود. در دوره‌ی پهلوی اول، در ابتدا شهربانی شیراز در آن مستقر شد و در سال ۱۳۱۱ ه.ش. (شفیعی و اسفندیاری‌پور، ۱۳۸۴: ۴۲) یا به روایت دیگر ۱۳۱۵ ه.ش. (خرمایی، ۱۳۸۲: ۳۱) به زندان تغییر کاربری داد که تا حوالی سال ۱۳۴۵ ه.ش. هم‌چنان زندان ایالت فارس یا زندان شهربانی بود و سرانجام به سال ۱۳۵۱ ه.ش. در فهرست آثار ملی به ثبت رسید.

چنین دگرگونی‌های متعدد و ناهمگونی در کاربری بنا، در ساختار هندسی کرت‌بندی‌ها، طرح کاشت و دیدهای درونی میانسرای ارگ، تحولاتی را ایجاد نمود که بر فهم کنونی ما از معماری ارگ و انتظام فضایی-بصری آن تأثیرگذار بوده است. هم‌اکنون میانسرای ارگ با ابعادی در حدود ۷۴×۹۶ مترمربع فضایی انباشته از درختان نارنج است که با عکس‌ها و مستندات تاریخی انطباق کاملی ندارد. کرت‌بندی‌های آن در طول تاریخ تغییراتی یافته است و بنایی نیز در میانه‌ی میانسرای ارگ در عصر قاجار ساخته شده بود که همگی ازمیان‌رفته است. خوانش این تحولات می‌تواند در چند حوزه مفید باشد؛ نخست، می‌تواند به بازشناسی طرح کاشت و زیبایی‌شناسی روزگار زندیان در معماری میانسرای ارگ به عنوان بنایی کلیدی در معماری زندیان کمک کند. دوم، نتایج آن می‌تواند دستیابی به طرح مرمت منظر جامع‌تر و دقیق‌تری را برای ارگ تسهیل کند؛ و سوم، بررسی سیر تحولات آن می‌تواند مبنایی برای احیای صحیح میانسرای دیوان‌خانه (از دیگر آثار زندیان در مجموعه‌ی زندیه) تلقی شود. از این‌روی، هدف این پژوهش بررسی تحولات منظر میانسرای ارگ در دو حوزه: الف) منظرسازی («طرح کاشت»، «نظم آب» و «هندسه کرت‌بندی‌ها») و ب) عناصر معماری («عمارت الحاقی» و «عناصر معماری جداکننده») از دوره‌ی زندیان تا معاصر و دوره‌بندی تاریخی این تحولات در بستر زمان است. به این ترتیب، می‌توان به بررسی این فرضیه پرداخت که اساساً زندیان شیوه‌ای از منظرسازی در ارگ کریم‌خان به کار برده‌اند که به دلیل کارکرد مسکونی و ساختار فضایی-هندسی آن دست‌کم با شیوه کاشت درختان در باغ ایرانی تفاوت‌هایی داشته و با مداخلات دیگر دوره‌های تاریخی در ارگ نیز متمایز بوده است.

پرسش‌های پژوهش: این پژوهش به پرسش‌هایی بدین شرح می‌پردازد: الف) درختان کاشته شده در میانسرای ارگ از روزگار زند تاکنون چه تغییراتی داشته و طرح کاشت و نظم آب در میانسرا چگونه بوده است؟ ب) عمارت یا عمارت‌های الحاقی در میانسرای ارگ چه مواردی بوده و چه تأثیراتی بر کرت‌بندی‌های میانسرا و محورهای دید آن در دوره‌های بعدی داشته است؟ ج) راهکارهای اصلاح منظر کنونی میانسرای ارگ بر مبنای بررسی تحولات آن شامل چه مواردی خواهد بود؟

روش پژوهش: راهبرد اصلی این پژوهش، «تفسیری-تاریخی» به معنی «جستجوی پدیده‌ای اجتماعی-کالبدی در زمینه‌ای پیچیده با جهت‌گیری تبیینی-روایتی و کل‌نگر» است و از مجموعه‌ی شواهد «تعیین‌گر»، «زمینه‌ای» و «استنباطی» استفاده می‌نماید. این شواهد به ترتیب باعث می‌شوند که موضوع مورد مطالعه در زمان و فضای تاریخی یگانه‌ای قرار گرفته، به متن و زمینه‌ی آن مرتبط شده و در نهایت با ارائه‌ی تفاسیر عقلی، پیوندی محکم میان موضوعات مورد بررسی برقرار گردد (گروت و وانگ، ۱۳۸۴: ۱۳۶ و ۱۵۴-۱۵۷). مستندات پژوهش شامل چند بخش هستند: الف) اطلاعات مکتوب در سفرنامه‌ها، اسناد ثبتی میراث فرهنگی و کتاب‌های موجود درباره‌ی فارس از دوره‌ی قاجار؛ ب) عکس‌های تاریخی که بیشتر به روزگار مظفری و بعد از آن تعلق دارند؛ ج) عکس‌های هوایی که از سال ۱۳۳۵ تاکنون در دسترس هستند و سرانجام؛ د) مشاهدات میدانی نگارنده از وضعیت کنونی نمونه‌ی مورد مطالعه.

فرآیند پژوهش، شامل مراحل چهارگانه‌ی «گردآوری داده‌ها و مدارک»، «شناخت و سازمان‌دهی اطلاعات و مشاهدات»، «ارزیابی و تحلیل اطلاعات» و «سرانجام دستیابی به روایتی حاصل از امتزاج و تحلیل داده‌ها» است. خوانش عکس‌های تاریخی با استفاده از اصول پرسپکتیو یک نقطه‌ای و دونقطه‌ای انجام شده و با توجه به این‌که برخی اطلاعات محیطی درخصوص اندازه‌های فیزیکی عناصر تصویر هم‌اکنون قابل اندازه‌گیری هستند، امکان محاسبه‌ی دیگر عناصر تصویر نیز فراهم شده است؛ هم‌چنین تحولات و ویژگی‌های هر دوره نیز به صورت گرافیکی و به صورت یک شکل تنظیم شده‌اند تا امکان قیاس آن‌ها با یکدیگر فراهم آید.

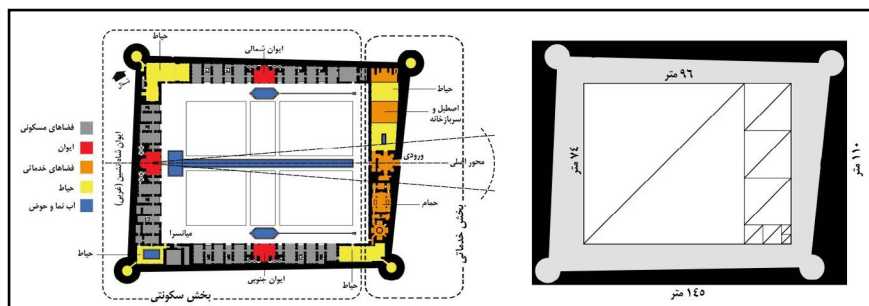
پیشینه‌ی پژوهش

مطالعاتی که تاکنون درباره‌ی ارگ کریم‌خان انجام شده بیشتر به حوزه‌ی تزئینات و هنرهای وابسته به معماری تعلق دارند؛ به عنوان نمونه، قنبری و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی حاصل از رساله‌ی دکتری نویسنده‌ی نخست به نشانه‌شناسی محتوای دیوارنگاری‌ها و تزئینات زندیان و بازشناسی زمینه‌های مؤثر بر شکل‌گیری آن‌ها پرداخته است که حاصل آن تأکید بر درون‌مایه‌های هنر قومی خان زند بر بیان انتزاعی و کارکردگرایی نقش‌مایه‌های به کار رفته در بنای ارگ و دیگر آثار زندیان در شیراز است. پژوهشی دیگر نیز به الگوی معماری ارگ در نظامی نشانه‌شناسانه پرداخته که در آن به ساماندهی فضاهای ارگ در دو بخش نشانه‌های عام و خاص توجه شده است. در آن پژوهش، به میانسرای ارگ به مثابه‌ی «باغ-حیاط» که

بازتابی از وجوه معنایی کهن‌الگوی باغ ایرانی است، پرداخته شده و چنین استدلال شده است که نسبت سطح میانسرا به کل بنا بیشتر معرف یک باغ است تا حیاطی متعارف در ساختار هندسی ارگ‌های جلگه‌ای هندسی و منظم (قنبری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۱). تنها کتابی که به طور اختصاصی به ارگ کریم‌خانی پرداخته، کتابی است نوشته‌ی شفیع‌ی و اسفندیاری‌پور (۱۳۸۴) به نام جلوه‌گاه هنر و معماری در کاخ کریم‌خانی که بیشتر معطوف به تحلیل نقوش زندیه و به ویژه نقش ترنج است. در دیگر نمونه‌ها، جنبه‌های توصیفی ارگ مورد توجه بوده‌اند و بیشتر در زمره‌ی کتاب‌های گردشگری یا نوشته‌های توصیفی جای می‌گیرند (رک. به: رسولی، ۱۳۸۲؛ دانش‌پژوه، ۱۳۷۷؛ خرماهی، ۱۳۸۲)؛ باین حال، منظر میانسرای ارگ، موضوعی است که پژوهشی مستقل را می‌طلبد و نشانی از آن در دست نیست.

معماری ارگ کریم‌خان و هندسه‌ی آن

معماری ارگ، مجموعه‌ای از اتاق‌ها و ایوان‌ها در گردهاگرد حیاطی مستطیل شکل با کشیدگی شرقی-غربی است. به جز میانسرا، ارگ دارای چهار حیاط کوچک دیگر در کنار هر یک از برج‌های مدور چهارگوشه‌ی خود نیز هست. هندسه‌ی بیرونی ارگ برخلاف میانسرای آن، متوازی‌الاضلاع است و هیچ دو ضلع آن از بیرون بر یکدیگر عمود نیستند. ورودی بنا در ضلع شرقی به میدان ارگ (توپخانه) راه داشته و این ضلع که انحراف بیشتری از دیگر اضلاع دارد هیچ روزنی به درون میانسرا به جز درگاهی کوچک ندارد. ضلع شرقی، شامل حمام و فضاهای خدماتی، نگهبانان، سربازخانه و استبل بوده و سه ضلع دیگر-که هر کدام متشکل از ایوانی دو ستونی در مرکز با راهروها و اُرسی‌هایی در اطراف خود هستند- به فضاهای سکونتی تعلق داشته‌اند (تصویر ۱). ایوان شاه‌نشین (غربی)، مهم‌ترین ایوان ارگ است که در امتداد محور منتهی به ورودی بنا واقع شده است و در برابر آن حوض و آب‌نمایی با ۲۸ فواره قرار دارد. ایوان‌های شمالی و جنوبی نیز طرحی مشابه با ایوان شاه‌نشین دارند؛ باین حال در برابر آن‌ها تنها حوض‌های کوچکی با ۳ فواره دیده می‌شود که سرریز هر کدام به حوض مربع مستطیل شکل ساده‌ای در سمت شرق خود منتهی می‌شود؛ به این ترتیب محور شرقی-غربی بنا از ورودی به سمت ایوان شاه‌نشین بر کشیدگی میانسرا نیز منطبق است و مهم‌ترین محور نظم‌دهنده به ساختار هندسی و فضایی ارگ محسوب می‌شود.



تصویر ۱. فضاهای ارگ و تحلیل هندسی میانسرای آن در وضع موجود (نگارنده، ۱۳۹۸: براساس نقشه‌ی میراث فرهنگی فارس). ◀

دوره‌های تحول در میانسرای ارگ کریم‌خانی

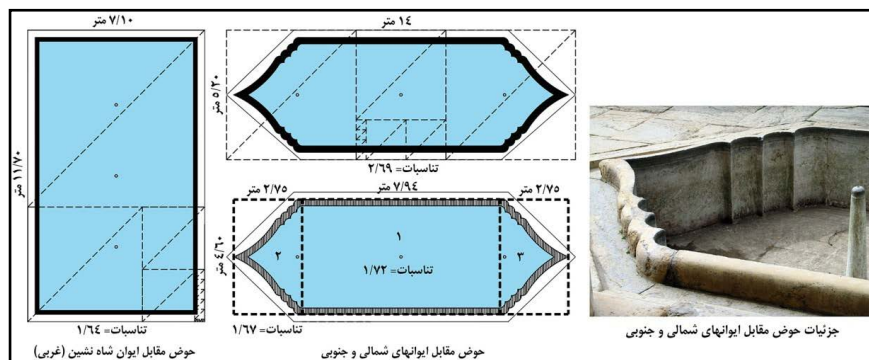
بررسی اسناد و مدارک نوشتاری و تصویری نشان می‌دهند که تحولات میانسرای ارگ را می‌توان در چهار مرحله‌ی بدین‌شرح دسته‌بندی نمود؛ دوره‌ی نخست که از روزگار زندیان آغاز می‌شود، در نهایت به قاجاریان، پهلوی و معاصر منتهی می‌گردد و در هر دوره، ویژگی‌هایی وجود دارد که به میانسرا هویت خاص آن دوره را می‌بخشد. این دوره‌ها به شرح ذیل است.

الف) دوره‌ی نخست (زندیان): دوره‌ی اول در بررسی منظر میانسرای ارگ به زمان زندیان بازمی‌گردد. نخستین بار در کتاب تاریخ گیتی‌گشا به میانسرای ارگ با عنوان «باغ سرای ارگ» اشاره شده که در آن «دو-سه آهوی تهامه خانگی» وجود داشته است. در این منبع راجع به منظر میانسرای ارگ آمده است که «گل باغش چون پاره‌ی گل رخسار خود را و شأن بناز پروریده و هر تازه نهالش چون نهال قامت سهی فقدان آفت خزان ندیده» (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۵۷ و ۲۱۸). «کارستن نیبور»^۱ آلمانی و «ویلیام فرانکلین»^۲ انگلیسی نیز که به ترتیب در زمان «کریم‌خان» و «جعفرخان» زند به شیراز آمده‌اند، شرحی از درون ارگ به دست نمی‌دهند؛ توصیف نیبور از «کاخ‌ی با باغی زیبا» (نیبور، ۱۳۵۴: ۶۴) به عمارت دیوان خانه تعلق دارد؛ چراکه در زمان او هنوز عمارت ارگ که به «حرم» تعبیر شده (همان: ۶۸) به اتمام نرسیده بود و توصیفات فرانکلین نیز بیشتر معطوف به شخصیت و ظاهر کریم‌خان و جعفرخان زند است (فرانکلین، ۱۳۶۹: ۹۲). به همین سبب اطلاع دقیقی از ویژگی‌های منظر ارگ و نظم کاشت و نوع گیاهان آن نمی‌توان در این دوره یافت؛ با این حال، شیوه‌ی آب‌رسانی به درون ارگ و هندسه‌ی حوض و آب‌نماهای آن (که هنوز پابرجاست)، اطلاعاتی از الگوی اصیل منظر میانسرای ارگ را دربر دارد. آب قنات «رکن‌آباد» در شمال شیراز پس از گذراندن از رودخانه‌ی خشک و باروی شهر به ارگ وارد می‌شده است (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۵۹-۱۶۰). پژوهش‌های باستان‌شناسی نشان داده‌اند که این آب از «طریق تنبوشه‌های سفالی از زیر برج جنوب غربی وارد شده و درون استخر حیاط خلوت همان زاویه می‌ریخته و پس از آنجا سایر قسمت‌ها مشروب می‌گردیده... و پس از آن به سمت حمام و آب‌انبار وکیل جریان می‌یافته است» (شفیعی و اسفندیاری‌پور، ۱۳۸۴: ۲۷). به نظر می‌رسد با توجه با ساختار هندسی آب‌نماهای ارگ، می‌توان جریان آب در میانسرا را از غرب به شرق تصور نمود که می‌بایست پس از حمام خصوصی ارگ، به سمت بناهای کریم‌خانی در سمت جنوب شرقی مجموعه‌ی زندیه جاری می‌شده است. اما از آنجاکه کاوش‌های کاملی در این خصوص انجام نشده، نمی‌توان جزئیات انتقال آب در ارگ را به‌طور دقیق تصویر کرد.

به جز آب‌نمای مرکزی با فواره‌های آن که ۳/۹۰ متر عرض و حدود ۷۹ متر طول دارد، سه حوض نیز در مقابل ایوان‌های ارگ دیده می‌شود که اصالت خود را کماکان حفظ کرده‌اند (تصویر ۲). حوض روبه‌روی ایوان شاه‌نشین (غربی) تناسباتی برابر با ۱/۶۴ دارد؛ این عدد با توجه به تناسبات بقیه اجزای حوض‌های روبه‌روی ایوان‌های شمالی و جنوبی، حدود مشترک و نه یکسانی را نشان می‌دهد. اندازه‌ی

کلی کرت‌های شمالی و جنوبی با یکدیگر مشابه هستند و از آنجا که سنگ‌های کف میانسرای ارگ به جز فرسایش، تغییر دیگری نسبت به روزگار زندیان نیافته است، می‌توان به خوبی تناسبات و ابعاد آن را به دست آورد. هر یک از کرت‌ها، طولی برابر با ۷۷ متر و عرضی برابر با ۲۵/۲۰ متر دارند که نشان دهنده‌ی تناسباتی حدود ۱ به ۳ است که کشیدگی شناخته شده‌ای در هندسه‌ی معماری ایرانی است؛ از این رو، یافتن طرح کاشت و منظر میانسرا در روزگار زندیان نیازمند بررسی اسنادی از دوره‌ی قاجار است که بتوان برپایه‌ی آن طرح اولیه را متصور شد.

معماری نمای داخلی میانسرای ارگ در این دوره را آجرکاری‌های ساده به همراه شیرسرهایی در محدوده‌ی رخیام تشکیل می‌داده است که به عنوان پس‌زمینه‌ی درختان سبز در ارگ قابل مشاهده بوده‌اند. ایوان‌های ارگ را دو ستون احتمالاً سنگی و مزین به نقاشی‌هایی از گل‌های پیچان زینت می‌بخشیده که رو به میانسرا ساخته شده بودند. به جز دو لچکی کاشی‌کاری شده در ضلع غربی و در دو سوی ایوان شاه‌نشین، سه مجلس کاشی‌کاری در ضلع شرقی و در مقابل این ایوان وجود داشته که از میان رفته‌اند و تنها عکس‌هایی از آن برجای مانده است؛ به این ترتیب، محور شرقی-غربی ارگ اهمیت فراوانی یافته و نسبت به دیگر محورها رجحان داشته است. این موضوع با کشیدگی آب‌نمای میانسرا نیز تشدید می‌شده است.



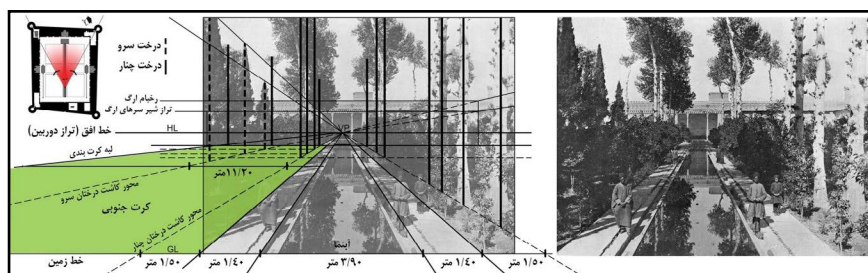
ب) دوره‌ی دوم (قاجاریان): دوره‌ی دوم در تحولات منظر میانسرای ارگ، روزگار قاجار است. «سررابرت کریپوتر»^۲ انگلیسی که در دوره‌ی فتح‌علی‌شاه از شیراز دیدن کرده، در شرح ملاقات خود با «حسینعلی میرزا فرمانفرما»، والی فارس در یکی از تالارها (ایوان) ارگ می‌نویسد: «جلوی این اطاق از بالای سقف تا کف باز بوده و منظره‌ی درختان چنار که سابقاً دربار کریم‌خانی را زینت می‌داد، دیده می‌شود و در بیرون فواره‌های مرمری در میان باغچه‌های گل، هوا را خنک می‌کرد. این قصر را کریم‌خان ساخته و اطراف آن را حصاری قلعه‌مانند فرا گرفته است» (برگرفته از: افسر، ۱۳۵۳: ۲۲۸). این توصیف نشان می‌دهد که «چنار» درخت کلیدی در منظر ارگ در اوایل دوره‌ی قاجاری است که سنتی زندیه دارد. به جز آن چه آمد تا دوره‌ی ناصری هیچ‌یک از سفرنامه‌نویسان فرنگی به ارگ یا میانسرای آن نپرداخته‌اند؛ بیشتر آنان اگر ذکری از ارگ داشته باشند، ذیل اشاراتی است که به اسامی بناهای کریم‌خانی داشته‌اند. قصر حکومتی شیراز که «یوشیدا ماساهارو»^۴ (۱۳۷۲: ۱۰۹) ژاپنی (نخستین

فرستاده‌ی ژاپن به دربار ناصری) از آن یاد می‌کند نیز درواقع «عمارت خورشید» یا «کاخ آینه» است که به دستور حسینعلی میرزا فرمانفرما در دوره‌ی فتحعلی‌شاه قاجار و در شمال غربی باغ‌نظر ساخته شده است و نباید با ارگ کریم‌خانی خلط شود. وصف «نوبوشی فوروکاوا»^۵ (۱۳۸۴: ۲۱۹) از «دارالحکومه» شیراز نیز هرچند تفصیل بیشتری دارد، ولی دقیقاً به همان بنای پیشین اشاره دارد. توصیفات «هنری بروگش»^۶ (۱۳۶۸: ۴۷۶) آلمانی از «ارگ حکومتی» در زمان «سلطان مراد میرزا» و «ادوارد براون» (۱۳۸۴: ۳۱۴) انگلیسی در زمان «جلال‌الدوله» که همگی در روزگار ناصری به شیراز آمده‌اند نیز کماکان به همان بنا اشاره دارند. توصیفات «مادام دیولافوا»^۷ (۱۳۶۱: ۴۱۱) از اقدامات کریم‌خانی نیز بیشتر معطوف به حصار و خندق شهر است.

باین حال، «لرد کرزن»^۸ (۱۳۸۰: ۱۲۱) انگلیسی که در سال ۱۸۸۹ م. / ۱۳۰۶ ه. ق. (ناصرالدین‌شاه قاجار) از ایران و شیراز دیدن کرده است درباره‌ی فضای درونی ارگ می‌نویسد: «در داخل ارگ، حیاط‌ها و ایوان‌هایی که اقامتگاه والی است وجود داشت که به هیچ‌وجه جالب نبودند... درون دو حیاط واقع در ارگ گل‌کاری شده بود و در یکی از آن‌ها بر روی سنگ مرمر، چهره‌ی چند تن از رزم‌آوران ایران، حجاری و نقاشی شده بود». مشخص نیست منظور کرزن از حیاط، کدام بخش از ارگ است. باین حال می‌توان انتظار داشت که منظور وی دو کرت‌بندی بزرگ و کشیده‌ی ارگ بوده باشد که به حیاط تعبیر شده است؛ هم‌چنین نشانی از آن‌چه احتمالاً حجاری پهلوانان شاهنامه است، در ارگ دیده نشده و چنین طرحی بیشتر به عمارت خورشید تعلق دارد. در دیگر نوشته‌های موجود تا انتهای دوره‌ی قاجار نیز نشانی از ویژگی‌های ارگ نیست. «ادموند آیرونساید»^۹ (۱۳۶۱: ۲۸۶) انگلیسی که در روزگار «احمدشاه» قاجار، ارگ را دیده است، آن را محل سکونت والی فارس می‌داند. به نظر می‌رسد عدم توجه سفرنامه‌نویسان در روزگار قاجار به ارگ، به این دلیل باشد که این بنا همواره سکونتگاه و اندرونی والیان فارس بوده؛ لذا نمی‌توانسته موضوعی برای بازدید آنان باشد. «فرست حسینی شیرازی» (۱۳۷۷: ۷۳۱) در پایان دوره‌ی ناصری می‌نویسد: «ارگ سرائی است بسیار وسیع که در آن عمارات متعدده و منازل متکثره، مرحوم کریم‌خان وکیل ساخته است... در فضایش نیز غرس اشجار بی‌شمار شده که می‌توان آن را نیز باغی خواند و این ارگ، جای محارم حکام است». دلیل دیگر به تغییر مرکزیت دیوانی شیراز از عمارت دیوان‌خانه به «کاخ ارگ» یا همان «عمارت خورشید» بازمی‌گردد که در دوره‌ی فتحعلی‌شاه رخ داد و از آن پس، این بنا مرکز رسمی دیدارهای حکومتی گردید و به همین دلیل مورد توجه سیاحان واقع شد و شاید به همین دلیل دیگر ارگ با وجود ابعاد قابل توجه‌اش، مرکز توجه نبود.

در فقدان توصیفات مکتوب کافی از منظر میانسرای ارگ، تنها اسناد موجود، یک نقشه‌ی کلی از شیراز دوره‌ی ناصری^{۱۰} و عکس‌های تاریخی این بنا در دوره‌ی مظفری هستند. از آنجا که نقشه‌ی یادشده با توجه به مقیاس آن، اطلاعاتی به جز سرسبز بودن درون ارگ ندارد، از ذکر آن خودداری می‌شود. نخستین عکس‌های موجود از میانسرای ارگ به میانه‌ی عصر «مظفرالدین‌شاه» بازمی‌گردد. این عکس‌ها شامل سه تصویر کلیدی هستند که در حوالی سال ۱۳۱۹ ه. ق. توسط «میرزا حسن

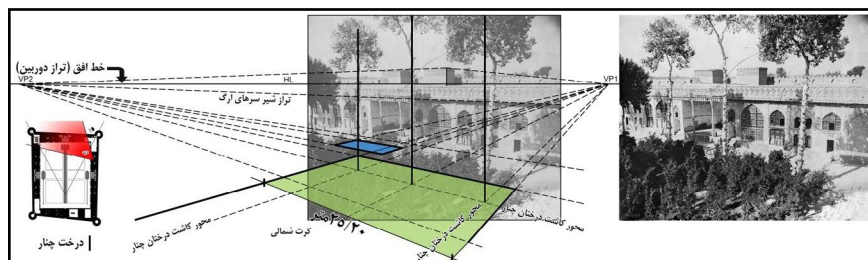
عکاس‌باشی» (حدود ۱۴۰ سال پس از ساخته شدن ارگ) تهیه شده است. تصویر ۳، مهم‌ترین این عکس‌ها است که در راستای محور طولی (شرقی-غربی) و به سمت ایوان شاه‌نشین جهت‌گیری شده است و براساس تعداد فواره‌های موجود در تصویر (۲۳ عدد)، حدود سه-چهارم از طول میانسرا را دربر دارد. براساس اصول حاکم بر پرسپکتیو یک نقطه‌ای، نقطه‌ی گریز (VP) در مرکز ایوان است و با توجه به محل قرارگیری افراد موجود در عکس و ارتفاع نقطه‌ی گریز از تراز خط افق (HL)، مشخص است که عکاس برروی سکویی به ارتفاع حدود ۱/۵۰ متر ایستاده است. از آنجاکه عرض آب‌نمای مرکزی (۳/۹۰ متر) و مسیرهای عبور کناری آن (۱/۴۰ متر) به صورت میدانی قابل اندازه‌گیری است؛ لذا بر پایه‌ی آن‌ها می‌توان مقیاسی برای اندازه‌گذاری‌های روی خط زمین (GL)، به دست آورد. بر این اساس، ساختار کرت جنوبی به خوبی مشخص می‌گردد؛ این کرت، شامل یک محور طولی به موازات آب‌نمای اصلی است که برای کاشت درختان چنار در فاصله‌ی حدوداً ۱/۵۰ متری از لبه در نظر گرفته شده است. محور دیگر، به فاصله‌ی حدوداً ۱۱/۲۰ متری از محور درختان چنار و ویژه‌ی درختان سرو است که با توجه به عرض کلی کرت (۲۵/۲۰ متر) این فاصله در میانه‌ی عرض جای می‌گیرد. در این تصویر نمی‌توان لبه‌ی جنوبی کرت را دید. با این حال، درختان موجود در کرت شمالی قابل مشاهده هستند؛ در کرت شمالی، می‌توان درختان چنار را به خوبی در نزدیکی لبه‌های مسیر عبوری و در همان فاصله‌ی ۱/۵۰ متری مشاهده کرد. آن چنان‌که در عکس دیده می‌شود، کرت شمالی در این بخش فاقد درختان سرو بوده است. در تمامی دو کرت شمالی و جنوبی، فضای خالی با درختان مرکبات و به احتمال قوی، درختان نارنج پُر می‌شده است.



تصویر ۳. راست: دید به ایوان شاه‌نشین در راستای محور طولی ارگ در حدود سال ۱۳۱۹ ه.ق. (۱۲۸۰ ه.ش.). اثر میرزا حسن عکاس‌باشی (صانع، ۱۳۶۹: ۴۲)؛ چپ: بازخوانی پرسپکتیو و اجزای کلیدی منظر آن (نگارنده، ۱۳۹۸).

عکس ۴، از بالای پشت بام ارگ در ضلع شمالی و به سمت ایوان شاه‌نشین گرفته شده است. در این عکس جزئیات سه درخت چنار در سمت غربی کرت به خوبی مشاهده می‌شود. بازخوانی پرسپکتیو دونقطه‌ای این عکس نشان می‌دهد که طرح کاشت در این کرت، شامل محوری عرضی برای کاشت درختان چنار بوده که در تکمیل اطلاعات موجود در تصویر ۲، به قطع می‌توان قرارگیری درخت چنار در میانه‌ی ضلع غربی کرت و کاشت دیگر درختان چنار در پیرامون کرت را به مثابه‌ی الگوی کاشت این گونه درختی تلقی کرد. جهت دستیابی به این قطعیت مراجعه به تصویر ۵، راهگشا است. این عکس که تمام طول کرت جنوبی را نشان می‌دهد، درختان چنار را در راستای محور به همراه درختان مرکبات به تصویر کشیده است.

► تصویر ۴. راست: دید به ایوان شاهنشین از بالای بام در حدود سال ۱۳۱۹ هـ.ق. (۱۲۸۰ هـ.ش). اثر میرزا حسن عکاس‌باشی (صانع، ۱۳۶۹: ۴۰)؛ چپ: بازخوانی پرسپکتیو دید برنده و احزای کلیدی منظر آن (نگارنده، ۱۳۹۸).



► تصویر ۵. دید غربی-شرقی به کرت جنوبی در حدود سال ۱۳۱۹ ه.ق. (۱۲۸۰ ه.ق.) اثر میرزا حسن عکاس‌باشی (صانع، ۱۳۶۹: ۴۱).

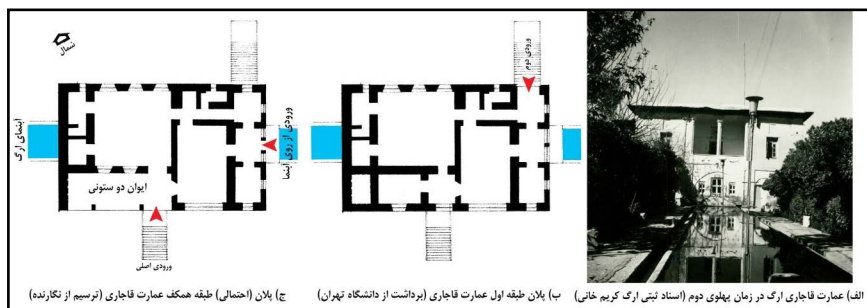


از تحلیل این سه عکس می‌توان نتیجه گرفت که در دوره‌ی مظفری، نشانی از گل‌های رنگارنگ دوره‌ی ناصر نمی‌توان یافت. دو کرت شمالی و جنوبی به شکل مستطیل بوده و تقسیمات دیگری ندارند و در این دوران «طرح کاشت درختان» در ارگ شامل دو گروه به شرح ذیل بوده است.

• **درختان بلند قامت:** این دسته شامل دو گروه درختان چنار و سرو است. درختان چنار به دلیل سایه دار بودن آن در لبه های بیرونی کرت های شمالی و جنوبی کاشته شده اند. تنه ی بلند و تاج انتهایی آن ها مانعی برای دید محوری از ایوان شاه نشین به سمت ورودی و بلعکس ایجاد نمی کرده است و در عین حال بر راستای آن نیز تأکید داشته است. درختان سرو در میانه ی کرت ها کاشته شده بودند؛ هر چند نشانی از درختان سرو در کرت شمالی در این عکس ها باقی نمانده، ولی می توان با در نظر داشتن اصل تقارن در باغ ایرانی، این نقص را حاصل فرسایش دانست. درختان سرو و چنار در این تصاویر برای ایجاد خرد اقلیم مناسب هستند و باتوجه به ارتفاع و اندازه ای که دارند می توانند قدمت بیشتری از دیگر درختان داشته باشند؛ در حالی که چنار، درختی برگ ریز است، سرو همیشه سبز می ماند و به همین سبب در فصول سرد سال، درختان سرو زیبایی بیشتری یافته و ضمن تأکیدی که بر محور طولی ارگ دارند، هم چنان هندسه ی کلی میانسرا را نیز حفظ می کردند.

• **درختان کوتاه قامت:** این درختان بیشتر نارنج و دیگر مرکبات را شامل می شده است که ارتفاع کمی دارند و برخی از آن ها چندان هم قدمتی ندارند. این

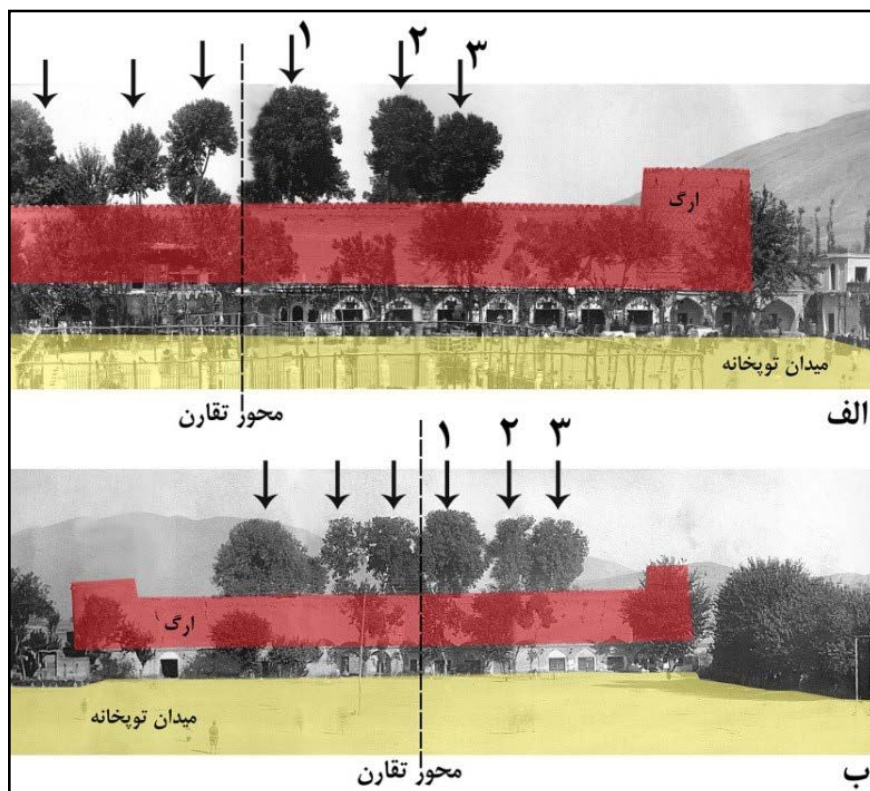
درختان تمامی فضاهای خالی میان درختان بلند قامت را پُر می‌کردند و در نظامی شبکه‌ای کاشته شده‌اند. این درختان برخلاف گروه پیشین، باهدف ثمردهی و نه زیبایی‌شناسی کاشته شده بودند. وجود این درختان، به‌ویژه در حیاط‌های خانه‌ها امری معمول بوده است و در باغ‌های تاریخی نیز ایران کاشته می‌شده است. این تصاویر، هم‌چنین نشان می‌دهند که ساختار کاشت درختان در میانه‌های مسیر طولی کرت‌ها در بخشی که در مجاورت مسیرهای موازی با آب‌نمای مرکزی قرار داشته است، نابود شده‌اند. درختان چنار در این بخش تقارن خود را از دست داده‌اند؛ با این‌همه، درختانی که در مجاورت مسیرهای شمالی و جنوبی کرت‌ها و روبه‌روی اتاق‌ها و ایوان‌های شمالی و جنوبی ارگ واقع بوده‌اند، کماکان در جای خود باقی هستند. فضای خالی حاصل از فقدان درختان چنار در این بخش، جای مناسبی برای ساخت عمارتی دوطبقه در سال ۱۳۱۹ ه.ق. - اندکی پس از زمانی که عکس‌های یادشده، گرفته شده بودند - را فراهم می‌آورد. این بنا «بامر ملک منصور میرزا شعاع‌السلطنه، فرزند مظفرالدین‌شاه که هنگام سلطنت والی فارس بود ساخته شده» و «فرصت‌الدوله شیرازی» نیز در ماده‌تاریخ ساخت و بنا و مهندس آن قطعه‌ای «سروده است (افسر، ۱۳۵۳: ۲۷۰)؛ در این قطعه، مهندس بنا، «زین‌العابدین خان مزین‌السلطنه» و بنای آن نیز «معماریابی» نامی بوده است. علت ساخت این بنا و کاربری اولیه‌ی آن مشخص نیست. هیچ تصویری نیز تا دوره‌ی پهلوی از آن برجای نمانده است. تنها عکس‌های موجود به حوالی سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۱ ه.ش. بازمی‌گردد که نمای شرقی عمارت را نشان می‌دهند و بنابر روی آب‌نمای اصلی ارگ و در میانه‌ی میانسرای دیده می‌شود (تصویر ۶). همان‌گونه از عکس برمی‌آید، یکی از ورودی‌های بنا در سمت شرق و بر روی آب‌نما واقع بوده و ابعاد این بنا به نحوی است که نه تنها مسیرهای عبوری در مجاورت محور اصلی ارگ را مسدود می‌کرده است؛ بلکه باعث تخریب و تغییر در ساختار کرت‌بندی‌های شمالی و جنوبی نیز می‌شده است. در اسناد ثبتی سال ۱۳۵۱ ه.ش. ارگ آمده است که «ساختمان مذکور به صورت دوطبقه ساخته شده و ایوانی دو ستونی در جنوب آن دیده می‌شود که به وسیله‌ی پلکانی سنگی به حیاط جنوبی ساختمان مربوط می‌شود. در سمت مشرق ساختمان در طبقه‌ی دوم نیز ایوانی است که روبه‌روی آب‌نمای وسط ارگ قرار دارد» (سازمان میراث فرهنگی فارس (پرونده‌ی ثبتی ارگ کریم‌خانی)، ۱۳۵۱ و نگارنده، ۱۳۹۸). (کریم‌خانی، ۲۶ و ۲۷).



تصویر ۶. عمارت قاجاری میانسرای ارگ (سازمان میراث فرهنگی فارس (پرونده ثبتی ارگ کریم‌خانی)، ۱۳۵۱ و نگارنده، ۱۳۹۸). ◀

در عکس‌های روزگار قاجار می‌توان دگرگونی‌هایی را نیز در نمای درونی ارگ مشاهده کرد که جالب توجه هستند؛ نخست این که، بخش قابل توجهی از شیرسره‌های رُخ‌بام، به‌ویژه در مجاورت ایوان شاه‌نشین فرو ریخته‌اند. و دیگری این که، خورشیدی‌هایی بر فراز ایوان‌های شمالی و جنوبی ارگ نصب شده که از ویژگی‌های معماری قاجاریان در دیگر عمارت‌های دیوانی و رسمی هم‌چون «نارنجستان قوام»، «کوشک باغ عفیف‌آباد» و مانند آن نیز بوده است. سومین دگرگونی، شامل حذف ستون‌های سنگی ایوان‌ها و نصب ستون‌های چوبی به جای آن‌ها است که از استحکام به مراتب کمتری نسبت به دوره‌ی زندیان برخوردار بودند. فرسودگی‌هایی نیز در تراز پایینی دیوارهای آجری دیده می‌شوند که با گچ‌های سپید پوشیده شده و یا رنگ شده‌اند. این‌ها نشان از فرسایش ارگ در روزگار قاجار دارند که با فرسایش منظر میانسرای آن نیز هماهنگ است.

افزون بر عکس‌هایی که از درون ارگ وجود دارد، عکس‌های موجود از بیرون ارگ (تصویر ۷) که در دوره‌ی مظفرالدین‌شاه و احمدشاه قاجار گرفته شده است نیز نشان‌دهنده‌ی نظم کاشت سه‌تایی درختان چنار بلندقامتی است که با توجه به ارتفاع بدنه‌ی ارگ (۱۲ متر) و برج‌های آن (۱۴ متر) می‌بایست در حدود ۲۰ متر ارتفاع داشته باشند. این عکس‌ها هم‌چنین نشان می‌دهند که طرح کاشت درختان در ضلع شرقی کرت‌ها نیز مانند ضلع غربی آن‌ها شامل سه درخت چنار در هر کرت است که پیش‌تر در تصویر ۴ تحلیل شده است.



► تصویر ۷. دید به درختان ارگ از میدان توپخانه‌ی شیراز در دوره‌ی (الف) مظفرالدین‌شاه قاجار (۱۳۲۱ ه‍.ق) و (ب) احمدشاه قاجار (صانع، ۱۳۸۲: ۱۶، ۱۷، ۴۶ و ۴۷)

به این ترتیب تحولات منظر میانسرا در این دوره را می‌توان در دو بخش طبقه‌بندی کرد.

• **از ابتدای قاجار تا پیش از دوره‌ی مظفری:** منظر باوجود فرسایش در درختان بلندقامت (چنار و سرو)، هم‌چنان اصالت زندیه‌ی خود را حفظ کرده است و کرت‌بندی‌های میانسرا دچار تغییر نشده‌اند. ساختار آب‌نماها و حوض‌ها در تصاویر به خوبی نشان می‌دهد که نظم آب در این دوره هم‌چنان با روزگار زندیان مشابه است؛ به همین سبب، بازنمای منظر این دوره با اصلاح و تکمیل نواقص ناشی از فرسایش، می‌تواند معرف منظر میانسرا در روزگار رونق آن در دوره‌ی زندیان باشد.

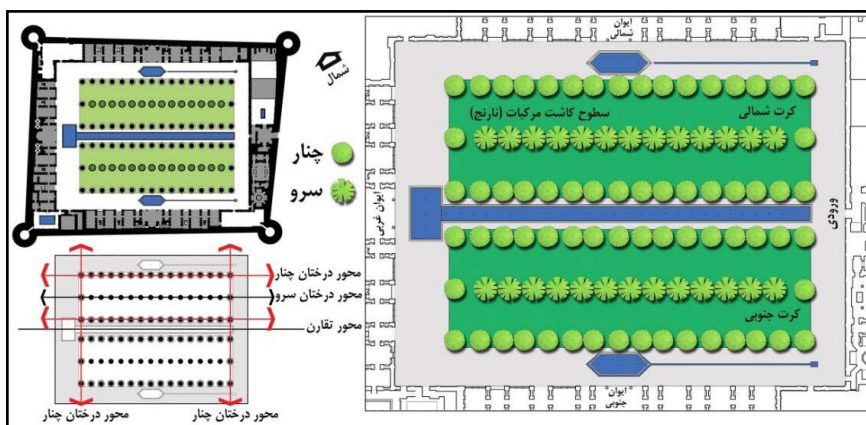
• **از دوره‌ی مظفری تا انتهای دوره‌ی قاجار:** با ساخت عمارتی بر روی آب‌نمای مرکزی، ساختار کرت‌بندی‌های شمالی و جنوبی، نظم آب و هندسه دید محوری در منظر میانسرا دچار اختلال می‌شود. در این دوره، ضمن ادامه‌ی مسیر فرسایش درختان میانسرا، نظم تازه‌ای بدون توجه به هندسه‌ی میانسرا بر آن تحمیل می‌شود که خود ناشی از فضای خالی حاصل از فقدان درختان بلندقامت در دوره‌ی پیشین و برخی اهداف عملکردی ناشناخته است.

لذا، براساس آن چه تاکنون آمد، می‌توان طرح کاشت اصلی درختان را در منظر میانسرای ارگ در روزگار قاجار و زند استخراج نمود. با توجه به این که هندسه‌ی عناصر سخت منظر ارگ (کرت‌بندی‌ها و آب‌نماها) هم‌چنان موجودند و اصالت زندیه خود را محفوظ داشته‌اند، بازنمایی منظر میانسرا و تحلیل زیبایی‌شناسی آن ممکن می‌گردد. از آنجاکه نظم ردیفی و کاشت منظم از میانی کاشت درختان در باغ ایرانی است؛ لذا فقدان برخی درختان در محورهای شناخته‌شده، می‌تواند ناشی از فرسودگی باشد و می‌توان براساس الگوی مفروض کاشت، به طرح کاملی از منظر میانسرا در روزگار قاجار و با احتمال قوی در روزگار زند دست یافت. افزون بر این از آنجاکه تغییرات چندانی در منظر ارگ در دوره‌ی پیش از مظفرالدین شاه ایجاد نشده است، این بازنمایی می‌تواند معرف نظم کاشت موردنظر کریم‌خان نیز بوده باشد. در این بازنمایی (تصویر ۸)، محورهای متقاطع کاشت درختان چنار یکدیگر را قطع می‌کنند و به طور محیطی در پیرامون کرت‌های شمالی و جنوبی کاشته شده‌اند. محور کاشت درختان سرو نیز در میانه‌ی هر کرت و به صورت شرقی-غربی است. سطوح باقی‌مانده نیز به درختان مرکبات (نارنج) تخصیص داده شده است. چنین نظمی در کاشت، محور طولی بنا را شاخص‌تر می‌کند و برش‌های شماتیک آن (تصویر ۹) نشان می‌دهد که زیبایی‌شناسی موردنظر زندیان و قاجاریان در ارگ، در سه سطح دید تنظیم شده بوده است که به شرح ذیل هستند.

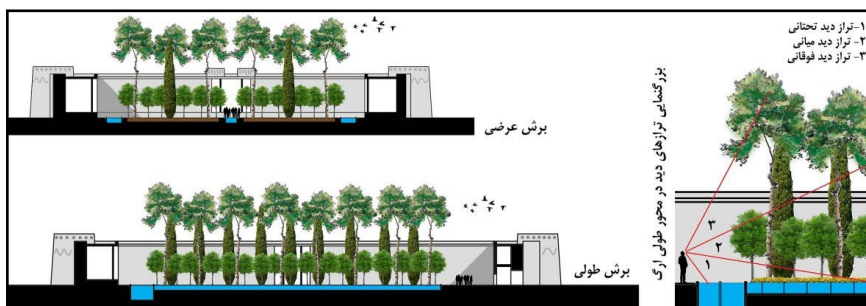
• **تراز دید تحتانی:** سطح تحتانی شامل کف‌سازی‌های سنگی ارگ، سطوح آب‌نماها، حوض‌ها و درنهایت سطوح گل‌کاری شده در حاشیه کرت‌ها است.

• **تراز دید میانی:** در این سطح درختان مرکبات با پوشش‌های همیشه‌سبز و رایحه‌ی شکوفه‌ها قرار دارند. این سطح که در تراز دید طبیعی و عادی انسان قرار می‌گیرد، مانعی طبیعی در برابر دید سرتاسری به کل میانسرا نیز ایجاد می‌نموده و به محرمیت ارگ نیز کمک می‌کرده است.

• **تراز دید فوقانی:** سطح فوقانی به لایه‌ای اختصاص یافته که با چتر درختان چنار و کشیدگی درختان سرو، سامان می‌یافته است. در این تراز مخروط‌های دید نقطه‌ای توسط تنه و چتر درختان ایجاد می‌شود. این سطح دارای درختان همیشه‌سبز و خزان‌پذیر است. به همین سبب، به رنگ‌آمیزی منظر ارگ در فصول گوناگون می‌انجامیده است.



► تصویر ۸. بازسازی طرح کاشت و محورهای اصلی ساماندهی به درختان میانسرای ارگ در دوره قاجار (نگارنده، ۱۳۹۸).



► تصویر ۹. برش‌های شماتیک طولی (شرقی-غربی) و عرضی (شمالی-جنوبی) از بازسازی منظر میانسرای ارگ در دوره قاجار (نگارنده، ۱۳۹۸).

ج) دوره سوم (پهلوی): «آیرونساید» (۱۳۶۱: ۲۸۵) در نوشته‌هایش آورده است که ارگ در زمان احمدشاه قاجار، افزون بر سکونت‌گاه حاکم وقت، گاهی نیز به عنوان زندان ایالتی استفاده می‌شد. این موضوع در کنار ماهیت قلعه‌مانند ارگ، زمینه‌های تغییر کاربری آن را در روزگار پهلوی رقم زد. در دوره‌ی پهلوی اول، در ابتدا شهربانی شیراز در آن مستقر شد و در سال ۱۳۱۱ ه.ش. (شفیعی و اسفندیاری‌پور، ۱۳۸۴: ۴۲) یا ۱۳۱۵ ه.ش. (خرمایی، ۱۳۸۲: ۳۱) به زندان ایالت فارس یا زندان شهربانی تغییر کاربری داد و تا حوالی سال ۱۳۴۵ ه.ش.، یعنی دست‌کم برای حدود سه دهه هم‌چنان محبس بود. اتاق‌های درونی ارگ در این دوران، دو طبقه گردیدند. بخش مهمی از تزئینات اتاق‌ها با اندود گچ پوشانده شدند و با حذف اُرسی‌ها و کشیدن دیوارهای ساده به جای آن، عملاً نمای داخلی ارگ به کل دگرگون شد. حتی ایوان‌ها نیز از این تغییرات مصون نماندند و با ساخت دیوار، عملاً مسدود شدند؛ به این ترتیب، این تغییر عملکرد از فضایی سکونتی به فضایی قضایی بیشترین دگرگونی‌ها را در ایوان‌ها، اتاق‌ها و تزئینات هنری ارگ به وجود آورد و در نتیجه، تغییراتی نیز در منظر میانسرا ایجاد شد که به شرح ذیل است.

• درختان بلند قامت ارگ (چنار و سرو) همگی بریده شدند تا امنیت داخلی آن افزایش یابد؛ هم‌چنین امکان کنترل بر روی مجرمان افزایش یابد؛ به این ترتیب، تنها تعدادی درختان کوتاه قامت مرکبات و به ویژه نارنج حفظ شدند؛ لذا از مجموع ترازهای دید سه گانه، تنها «تراز دید تحتانی» باقی ماند.

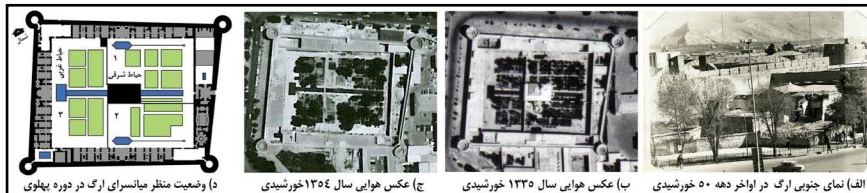
• با کشیدن دیواری شمالی-جنوبی در کنار عمارت قاجاری میانسرا که به بهداری زندان تبدیل شده بود، عملاً دو حیاط شرقی و غربی شکل گرفتند و با ساخت دیوار دیگری در شرق عمارت، حیاط شرقی نیز به دو بخش تقسیم شد. بر این اساس، کرت بندی‌های مستطیل شکل کشیده‌ی اصیل ارگ به قطعات کوچک تری تقسیمات شدند و حتی برخی از آن‌ها که در مجاورت عمارت قاجاری قرار داشت نیز حذف گردیدند؛ بدین ترتیب، یکپارچگی بصری که در روزگار مظفری با ساخت عمارت الحاقی مخدوش شده بود، به کلی از میان رفت.

در سال ۱۳۵۰ ه.ش. عمارت ارگ به سازمان حفاظت از آثار باستانی واگذار شد و یک سال بعد به ثبت ملی رسید. عمارت الحاقی دوره‌ی قاجار نیز «توسط کارشناسان وزارت فرهنگ و هنر مشغول تعمیر و تجهیز آنجا برای موزه» (سامی، ۱۳۶۳: ۵۹۶) بود، ولی به جهت مغایرتی که با منظر ارگ داشت در نهایت تخریب شد. نقشه‌های برداشت شده‌ی «پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران» از بنای ارگ که پیش از تخریب بنای الحاقی انجام شده، نشان دهنده‌ی وضعیت میانسرا در اوایل دهه‌ی پنجاه خورشیدی است. تطبیق این نقشه با وضعیت میانسرا در روزگار قاجار و هم‌چنین مقایسه‌ی آن با عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ ه.ش. (تصویر ۱) نشان می‌دهد که:

• تقسیمات درونی کرت‌های شمالی و جنوبی دقیقاً بر روی محور کاشت درختان سرو انجام شده است.

• بیشترین تغییرات در کرت بندی‌های پیرامون بنای الحاقی قاجاری و به طور مشخص در کرت جنوبی رخ دادند.

• مقایسه‌ی دو عکس هوایی نشان می‌دهد که در فاصله‌ی حدود ۲۰ سال، کمابیش بخش زیادی از پوشش سبز درختان ارگ در بخش‌های میانی میانسرا از بین رفت و تنها درختانی در لبه‌های بیرونی کرت بندی‌ها باقی ماندند.



تصویر ۱. نمای جنوبی و عکس‌های هوایی ارگ در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۵۴ ه.ش. (سازمان نقشه برداری کشوری) و بازنمایی گرافیکی منظر میانسرای ارگ در اواخر دوره‌ی پهلوی و پیش از آغاز فرآیند مرمت (نگارنده، ۱۳۹۸: براساس نقشه‌ی برداشت شده دانشگاه تهران). ◀

دوره‌ی چهارم (جمهوری اسلامی): طرح مرمت ارگ که از اوایل دهه‌ی ۵۰ ه.ش. آغاز شده بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ادامه یافت؛ با این حال مرمت عمارت، مقدم بر میانسرا پیش رفت و تلاش شد تا با حذف مداخلات دوره‌ی پهلوی در بنا، اصالت پیشین آن بازگردانده شود. این کار با مرمت اتاق‌ها و به ویژه ارسی‌ها پیش رفت و ایوان‌ها نیز به حالت پیشین خود بازگردانده شد. تا پیش از

اجرای طرح کنونی برای نظم بخشیدن به منظر ارگ، طرح دیگری با عنوان «طرح درختکاری و راهروهای بین باغچه‌های ارگ کریم‌خانی» در میراث‌فرهنگی فارس تهیه شد که می‌توان براساس آن، وضعیت درختان موجود در ارگ و فضاهای خالی کرت‌ها را در اواخر دهه‌ی ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ ه.ش. بررسی نمود (تصویر ۱۱).

• درختان نارنج موجود در میانسرا در بخش‌های مرکزی و کرت جنوب‌شرقی تراکم کمتری دارند که این موضوع با عکس هوایی سال ۱۳۵۴ ه.ش. نیز منطبق است.

• در این طرح، ساختار تقسیم‌بندی کرت‌ها شکل دیگری یافته و ضمن بازگشت به کرت‌های کشیده در راستای طولی بنا، تقسیماتی نیز روبه‌روی ایوان‌های شمالی و جنوبی ایجاد شده است که با کرت‌بندی روزگار قاجار و زندیان منطبق نیست.

• در کرت‌های کوچک تازه احداث شده، راه‌هایی برای ارتباط دو سوی کرت نیز در نظر گرفته شده که سابقه‌ی تاریخی ندارد.

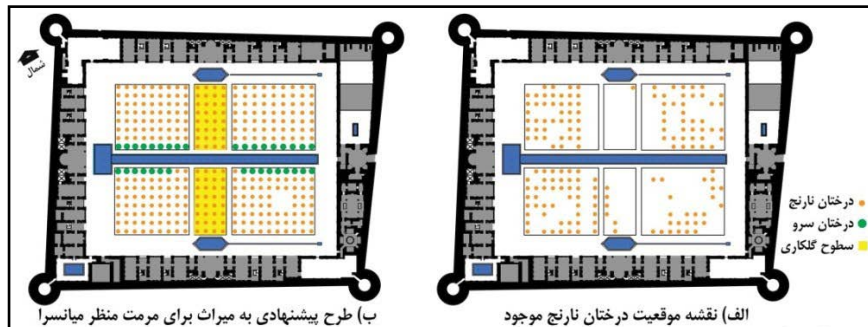
• مبنای طرح بر این است که در دو سوی آب‌نمای مرکزی میانسرا و در جاهای خالی و یا به‌جای درختان نارنج موجود، درختان سرو کاشته شوند. این ایده با اسناد تاریخی اشاره شده در بخش‌های پیشین منطبق نیست.

• هم‌چنین کرت‌های کوچک ایجاد شده در روبه‌روی ایوان‌ها نیز به بوته و گل‌های تزئینی در میان انبوهی از درختان نارنج اختصاص یافته‌اند و از کاشت درختان سرو در این بخش اجتناب شده است. احتمالاً این پیشنهاد برای برقراری ارتباط بصری میان دو ایوان شمالی و جنوبی پیشنهاد شده است که آن نیز فاقد اعتبار تاریخی در اسناد روزگار قاجار است.

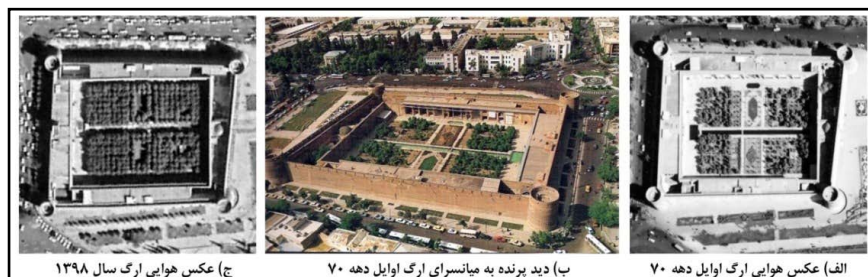
• در این طرح، از درختان چنار که عنصر مهمی در منظر ارگ بوده نیز استفاده نشده است.

با این‌همه، طرح اولیه‌ی پیشنهادی به میراث‌فرهنگی فارس به‌طور کامل اجرا نشد، ولی تقسیمات پیشنهادی برای تغییر در کرت‌ها و گل‌کاری کرت‌های کوچک روبه‌روی ایوان‌های فرعی تحقق یافت. عکس هوایی مربوط به اوایل دهه‌ی هفتاد خورشیدی نشان می‌دهد که باغچه‌های گل براساس طرحی از آب‌نماهای روبه‌روی ایوان‌های فرعی در کرت‌ها ایجاد شده است. درختان نارنج اندک‌اندک در حاشیه‌های آن کاشته شدند و مابقی فضاهای خالی در کرت‌ها نیز به درختان نارنج اختصاص یافتند. به این ترتیب، منظر میانسرای ارگ در نهایت از «باغ سرای ارگ» به «نارنجستان» تبدیل شد. عناصر کلیدی در منظرسازی آن شامل آب‌نما و کرت‌بندی کشیده و طولی در راستای شرقی-غربی بنا حفظ شدند، ولی درختان اصلی در منظر آن، یعنی سرو و چنار نادیده گرفته شدند. با توجه به محدود شدن فضای گل‌کاری به بخش‌های درونی کرت‌های کوچک، عملاً سنت کاشت گل‌ها در حاشیه‌ی کرت‌های اصلی در باغ ایرانی، لحاظ نشد و به همین سبب تلقی کنونی از منظر ارگ در مقیاس «تراز دید میانی» محدود گشت؛ هرچند محور طولی و اصلی بنا در این کار حفظ شده است، ولی مخروط دید تاریخی از ایوان شاه‌نشین به سوی ورودی بنا و بالعکس، با تصویر تاریخی آن در زمان زندیان و قاجاریان (تا پیش از دوره‌ی مظفری)

انطباق کاملی ندارد. این موضوع در منظر بیرونی ارگ نیز تأثیرگذار است؛ در گذشته، درختان بلند قامت میانسرا از بیرون از حصار آجری ارگ دیده می‌شدند و ترکیب این دو سطوح رنگی باعث می‌شد ارگ مفهوم فضای سکونت و متعادلی را داشته باشد؛ کاشت درختان نارنج بر سابقه‌ی ذهنی تاریخی از منظر بیرونی ارگ نیز خدشه وارد کرد و مقیاس آجری بنا را از آن چه که بود فراتر نشان داد. جدول ۱، دوره‌های یاد شده را با ذکر مهم‌ترین ویژگی‌های هر دوره نشان می‌دهد.



تصویر ۱۱. نقشه‌ی درختان موجود و پیشنهادی در طرح اولیه‌ی میراث فرهنگی فارس (ترسیم از: نگارنده، ۱۳۹۸؛ براساس منبع اصلی). ◀

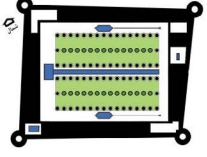
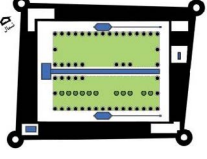
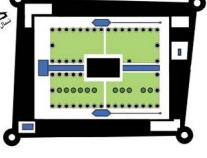
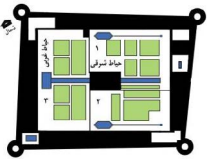
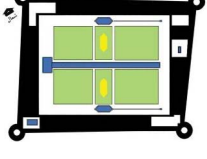


تصویر ۱۲. وضعیت میانسرای ارگ در دهه‌ی ۷۰ و ۹۰ ه.ش. (سازمان نقشه برداری کشوری، Google Earth). ▶

نتیجه‌گیری

میانسرای ارگ، بخش مهمی از هویت آن در طول تاریخ بوده که تحولات گوناگونی را از سر گذرانده است. ارگ که عظیم‌ترین بنای کریم‌خان در مجموعه‌ی زندیه شیراز است، دارای طرحی برای منظرسازی بوده که هم‌اکنون بخش‌های از آن دیگر دیده نمی‌شود. مطالعه‌ی اسناد تصویری و مکتوب باقی‌مانده از روزگار زند تاکنون نشان می‌دهد که این تحولات در چهار دوره به نام «شکل‌گیری (زندیان)»، «تحول و تغییر (قاجاریان)»، «تغییر کاربری و اضمحلال (پهلوی)» و «مرمت و احیاء (جمهوری اسلامی)» قابل طبقه‌بندی است؛ بر این اساس، منظر میانسرا از «باغ سرای روزگار زند» به «باغ-حیاط در اواخر دوره‌ی قاجار» تبدیل شده است و در نهایت در روزگار پهلوی به «حیاط-محبس» بدل می‌شود. طرح کاشت باغ‌سرا شامل درختان بلند قامت (چنار و سرو) و کوتاه قامت (مرکبات و نارنج) بوده است که باهدف تأکید بر کشیدگی محور طولی ارگ سامان دهی می‌شده‌اند. نظام آب‌رسانی در میانسرا، شامل حوض‌ها و آب‌نما، کمابیش ساختار خود را حفظ کرده؛ با این حال، کربندی‌ها تغییراتی ناشی از عناصر مداخله‌ای شامل عناصر کالبدی و غیرکالبدی داشته است. تحولات منظر میانسرا نشان می‌دهد که زیبایی‌شناسی زندیان در ارگ تا روزگار مظفرالدین‌شاه قاجار (حدود ۱۴۰ سال) کماکان حفظ شده

► جدول ۱. مقایسه‌ی تطبیقی تحولات منظر میانسرای ارگ کریم‌خان زند (نگارنده، ۱۳۹۸).

ردیف	عنوان	دوره	کاربری	پلان گرافیکی	ملاحظات	توضیحات
۱	شکل‌گیری	زندیان	سکونت		ن.ب. - ک.ا	کرت‌بندی‌های شامل دو کرت مستطیل‌شکل با کشیدگی شرقی-غربی (۲۵/۲۰×۷۷ متر)، آب‌نمای مرکزی به طول (۳/۹۰ در ۷۹ متر) و یک حوض مستطیل‌شکل و دو حوض طرح‌دار، ● طرح کاشت شامل درختان بلندقامت (چنار و سرو) و کوتاه‌قامت (مرکبات و نارنج)، ● محل کاشت درختان چنار در محیط پیرامونی کرت‌ها و درختان سرو در میانه کرت‌ها، ● درختان مرکبات (نارنج) در فضاهای خالی کرت‌ها.
۲	تحول و تغییر	قاجاریان (از آغاز تا دوره‌ی مظفری)	سکونت		ن.ب. - س.ا	حفظ اصالت زندیه کرت‌بندی‌ها، ● فرسایش درختان چنار در امتداد حداقل محور مرکزی میانسرا، ● حذف درختان سرو در کرت شمالی، ● حفظ درختان مرکبات (نارنج) هر دو کرت.
		قاجاریان (از دوره‌ی مظفری تا انتها)	سکونت		ن.ب. - ک.ا	الحاق عمارت دوطبقه آجری در میانه‌ی میانسرا و بر روی آب‌نمای مرکزی، ● از میان رفتن تقسیمات اولیه‌ی کرت‌ها و به‌وجود آمدن تقسیمات فرعی حفظ نظم آب در عین خدشه‌دار شدن آب‌نمای مرکزی، ● حذف دید طولی و محوری بنا در محور شرقی-غربی، ● فرسایش درختان در محور شرقی-غربی، ● حفظ درختان چنار در حاشیه‌های بیرونی کرت‌های شمالی و جنوبی.
۳	تغییر کاربری و اضمحلال	پهلوی اول و دوم	زندان		خ.ا - م.ا	تغییر کاربری عمارت الحاقی به بهداری زندان، ● تقسیم میانسرا به سه حیاط مجزا یا محوریت عمارت الحاقی و حذف دیدهای پیوسته در میانسرا، ● تقسیم کرت‌های اصلی به کرت‌های کوچک‌تر و بدون هندسه منظم، ● حفظ نظم آب در عین خدشه‌دار شدن آب‌نمای مرکزی، ● حذف تمامی درختان بلندقامت (چنار و سرو) از منظر میانسرا، ● حفظ / کاشت درختان مرکبات به شکل محدود در کرت‌های سمت غربی و شرقی (به جز بخش‌های میانی).
۴	مرمت و احیاء	جمهوری اسلامی	میراث فرهنگی		ن.ا - ج.ا	حذف بنای الحاقی، ● یکپارچه شدن کرت‌های شمالی و جنوبی در عین ایجاد کرت‌های کوچک‌تر در مقابل ایوان‌های شمالی و جنوبی، ● مرمت نظم آب در محور طولی بنا، ● نادیده‌گیری طرح کاشت تاریخی درختان چنار و سرو در منظر میانسرا، ● تقلیل طرح کاشت به درختان نارنج، ● کاشت گل‌ها در باغچه‌های روبروی ایوان‌های شمالی و جنوبی بدون توجه به محور طولی میانسرا و سابقه کاشت در باغ ایرانی، ● ایجاد یکپارچگی بصری در منظر ارگ.

است؛ از این‌رو، دو رویداد را باید نقاط عطف دگرگونی در منظر آن دانست: الف) ساخت عمارت دوطبقه در مرکز میانسرا در نیمه‌ی دوم دوره‌ی مظفری، و ب) تغییر کاربری ارگ به‌عنوان زندان ایالتی در دوره‌ی پهلوی اول.

از نظر زیبایی‌شناختی، میانسرای ارگ را باید نمونه‌ای کوچک از باغ ایرانی دانست که با الزامات یک فضای سکونت-نظامی هماهنگ شده است. استفاده از درختان چنار در محیط پیرامونی کرت‌های طولی باهدف ایجاد بیشترین سایه بر روی مسیرهای تردد درون ارگ شکل‌گرفته‌اند و درختان سرو که سابقاً در امتداد محورهای اصلی باغ ایرانی کاشته می‌شدند به فضاهای درونی کرت‌ها منتقل شدند

تا ضمن ایجاد دیواره‌ای بصری در دو سوی محور اصلی ارگ (ورودی به سمت ایوان شاه‌نشین) این امکان را فراهم کنند تا مخروط دید نقطه‌ای در این محور وسیع‌تر به چشم آید. برنامه‌های مرمتی در چند دهه‌ی اخیر با چشم‌پوشی بر مستندات تاریخی، نظام تقسیم‌بندی کرت‌ها را به طور کامل رعایت نکردند و از طرح کاشت اصیل باغ تنها به حفظ درختان نارنج بسنده کردند؛ این موضوع، باغ‌سرای ارگ را به «نارنجستان» تقلیل داده است. پیامد این تغییر، از میان رفتن نظام بصری-زیبایی‌شناختی منظر میانسرا است که دست‌کم حدود چهارده دهه بر آن حاکم بود. از آنجاکه طبق منشور ونیز (۱۹۶۴)، فلورانس (۱۹۸۱) و منشور باغ‌های تاریخی رُم (۲۰۰۳) هیچ تغییری در باغ تاریخی بدون پشتوانه‌ها و مستندات تاریخی میسر نیست؛ لذا پیشنهاد می‌گردد در گام نخست، مجموعه‌ی اقدامات اصلاحی به شرح ذیل در دستور کار قرار گیرند:

الف) راهروهای جانبی ایجادشده در کرت‌های شمالی و جنوبی در مقابل ایوان‌های فرعی، حذف شوند و جهت برقراری ارتباط میان دو سوی کرت‌ها از مسیرهای موقت و بدون مداخله در هندسه‌ی کرت استفاده شود.

ب) در مرحله‌ی نخست، درختان سرو در میانه‌ی کرت‌های شمالی و جنوبی و در راستای شرقی-غربی کاشته شوند تا ضمن حفظ یکپارچگی بصری کنونی در منظر میانسرا، بخش مهمی از تداعی باغ‌سرای ارگ نیز با ارجاع به ذهنیت باغ ایرانی فراهم گردد.

ج) در مرحله‌ی دوم، با کاشت درختان چنار در امتداد محور اصلی میانسرا، هندسه‌ی بصری این محور به عنوان شاخص‌ترین مخروط بصری در منظر ارگ، بازسازی گردد. کاشت دیگر درختان چنار در پیرامون کرت‌ها می‌تواند در بازه‌های زمانی دیگری انجام شود.

پژوهش‌های آتی می‌توانند به منظر باغ‌های دیوانی ساخته‌شده در روزگار زند در سایر شهرهای ایران بپردازند تا از نتایج قابل قیاس آن‌ها به تصویر روشنی از ایده‌های زندیان در باغ‌سازی دست‌یافت؛ هم‌چنین مطالعات آتی می‌توانند به باغ‌های شکل‌گرفته در ارگ‌های ایران اختصاص یابند، یا با قیاس تطبیقی منظر ارگ با دیگر باغ‌های شیراز می‌توان به تأثیر و تأثر آن‌ها بر یکدیگر دست‌یافت. نتایج پژوهش‌هایی از این دست، شناخت کنونی از گونه‌های مختلف باغ ایرانی را نیز ارتقاء خواهد بخشید و آن‌را تکمیل خواهد نمود.

پی‌نوشت

1. Carsten Niebuhr
2. William Franklin
3. Robert Ker Porter
4. Yoshida Masaharu
5. Nobuyshi Furukawa
6. Heinrich karl Brugsch
7. Madame Dieulafoy
8. George Nathaneil Curzon
9. Edmund Ironside

۱۰. ر. ک. به: مهریار، محمد؛ فتح‌الله‌یف، شامیل؛ فخاری‌تهرانی، فرهاد؛ و قدیری، بهرام، ۱۳۷۸، اسناد تصویری شهرهای تاریخی ایرانی دوره‌ی قاجار، تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث‌فرهنگی کشور، ص: ۲۲۵ و ۲۲۶.

۱۱. در زمان خسرو عادل مظفر پادشاه / آن‌که ذات اقدسش را از شهبان باید سپاس / اهتمامی کرد زین العابدین خان آن‌که شد / هم مدبر سلطنت را هم بدولت حق شناس / پر خرد معمار باشی کرد بنیانی رفیع / با کمال عقل و حس فکرت و جمع حواس / رفته بود از سال هجری در جمادی نخست / یک‌هزار و سیصد آن‌که نوزده بی‌التباس / کلک فرصت باز در تاریخ سال آن نوشت / بر شعاع السلطنه آمد مبارک این اساس (دیوان فرصت: ص ۴۲۴؛ برگرفته از: افسر، ۱۳۵۳: ۲۷۱).

کتابنامه

- اسدپور، علی، ۱۳۹۷، میدان و شهر؛ سرگذشت میدان‌های توپخانه از تهران تا شیراز. شیراز: نشر نیارش.
- افسر، کرامت‌اله، ۱۳۵۳، تاریخ بافت قدیمی شیراز. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- آبرونساید، ادموند، ۱۳۶۱، سفرنامه ژنرال سر پرسی آبرونساید در ایران. ترجمه‌ی بهروز قزوینی. تهران: نشر آینه.
- براون، ادوارد، ۱۳۸۴، یک سال در میان ایرانیان. ترجمه‌ی مانی صالحی علامه. تهران: نشر اختران.
- بروگش، هنریش، ۱۳۶۸، سفری به دربار سلطان صاحبقران. ترجمه‌ی حسین کردبچه، چاپ ۲، تهران: نشر اطلاعات.
- خرمایی، محمدکریم، ۱۳۸۲، شیراز، یادگار گذشتگان (راهنمای نقاط دیدنی و آثار باستانی شیراز). چاپ ۲، شیراز: انتشارات فرهنگ پارس.
- دانش‌پژوه، منوچهر، ۱۳۷۷، شیراز. تهران: نشر هیرمند.
- دیولافوا، ژن، ۱۳۶۱، سفرنامه مادام دیولافوا. ترجمه‌ی بهرام فره‌وشی، چاپ ۲، تهران: خیام.
- رسولی، هوشنگ، ۱۳۸۲، راهنمای جامع شهرهای تاریخی ایران؛ جاذبه‌های فرهنگی، تاریخی و طبیعی استان فارس. مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی پارینه.
- اداره میراث فرهنگی فارس، ۱۳۵۱، «پرونده ثبتی ارگ کریم‌خانی». شیراز: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان فارس (منتشر نشده).
- سامی، علی، ۱۳۶۳، شیراز، شهر جاویدان. چاپ ۳، شیراز: چاپ لوکس (نوید).
- شفیعی، فاطمه؛ و اسفندیاری‌پور، هوشنگ، ۱۳۸۴، جلوه‌گاه هنر و معماری در کاخ کریم‌خانی. شیراز: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان فارس.
- صانع، منصور، ۱۳۶۹، پیدایش عکاسی در شیراز. تهران: انتشارات سروش.
- صانع، منصور، ۱۳۸۲، بیاد شیراز؛ عکس‌های شیراز قدیم. چاپ ۲، ناشر مؤلف.
- فرانکلین، ویلیام، ۱۳۶۹، ده سفرنامه (سیری در سفرنامه‌های جهانگردان خارجی راجع به ایران). ترجمه‌ی مهرباب امیری، تهران: نشر وحید.
- فرصت حسینی شیرازی، محمد نصیر میرزا آقا، ۱۳۷۷، آثار عجم. تصحیح: منصور رستگار فسایی، جلد ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فروکاوا، نوبویوشی، ۱۳۸۴، سفرنامه فوروکاوا. ترجمه‌ی هاشم رجب‌زاده و کینیجی ئه‌اروا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فسایی، حسن بن حسن، ۱۳۸۲، فارسنامه ناصری. جلد ۱، تصحیح: منصور رستگار فسایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- قنبری، تابان؛ سلطان‌زاده، حسین؛ و نصیرسلامی، محمدرضا، ۱۳۹۵، «نشانه‌شناسی محتوا و زمینه‌های مؤثر بر دیوارنگاری و تزئینات دوره زندیه با تأکید بر درون‌مایه‌های هنر قومی». ماهنامه علمی-پژوهشی باغ نظر، سال ۱۳، شماره ۴۵، صص: ۹۱-۱۰۴.
- قنبری، تابان؛ سلطان‌زاده، حسین؛ و نصیرسلامی، محمدرضا، ۱۳۹۷، «تطبیق نشانه‌شناسانه الگوی معماری ارگ کریم‌خان با درون‌مایه‌های فرهنگ ایلاتی زندیه»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی معماری و شهرسازی ایران، سال ۹، شماره ۱۵، صص: ۱۹۳-۲۰۹.
- کرزن، جورج ناتانیل، ۱۳۸۰، ایران و قضیه آن. ترجمه‌ی غلامعلی وحید مازندرانی، جلد ۲، چاپ ۵، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گروت، لیندا؛ وانگ، دیوید، ۱۳۸۴، روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ماساهارو، یوشیدا، ۱۳۷۲، سفرنامه یوشیدا ماساهارو (نخستین فرستاده ژاپن به ایران دوره قاجار). ترجمه‌ی هاشم رجب‌زاده. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- نامی‌اصفهانی، محمدصادق، ۱۳۶۳، تاریخ گیتی‌گشا در تاریخ زندیه. تهران: اقبال.
- نیبور، کاستن، ۱۳۵۴، سفرنامه کارستن نیبور. ترجمه‌ی پرویز رجبی. تهران: انتشارات توکا.